

گرشاسپنامه به تصحیح حبیب یغمایی

محمود امیدسالار

گرشاسپنامه از اهم متون داستانی فارسی است که در شرح ماجراهای گرشاسپ، جد رستم، سروده شده. سراینده این کتاب اسدی طوسی، همشهری فردوسی، فرهنگ‌نویس، شاعر، و خطاط بزرگ ایرانی است که این کتاب را در سال ۴۵۸ هجری از روی یک اصل منثور به شعر درآورد. قطعات بسیار بلندی از این منظومه در بعضی از نسخه‌های شاهنامه وارد شده و با اشعار فردوسی در هم آمیخته است. با احتساب این قطعات، از گرشاسپنامه قریب چهل دستنویس کامل و ناقص می‌شناسیم که اقدم آن‌ها دستنویسی است متعلق به کتابخانه موزه توپکاپوسرای در ترکیه. تعداد ابیات گرشاسپنامه در دستنویس‌های مختلف موجود از آن بین پنج هزار تا بیش از هشت هزار است.

اول بار فاضل فرانسوی کلمان هوار (Clément Huart ۱۸۵۴ - ۱۹۲۶) بر آن شد که یک طبع انتقادی از گرشاسپنامه فراهم آورد و برای نیل به این مقصود، دستنویسی را که در کتابخانه بریتانیا در لندن موجود است و تاریخ کتابت آن سال ۸۰۰ هجری است، به عنوان نسخه اساس کار خود انتخاب کرد. اما هوار موفق به اتمام تصحیح کتاب نشد و فقط ۲۵۴۳ بیت آغازین آن را تصحیح کرده بود که اجلس فرار سید و در سال ۱۹۲۶ میلادی درگذشت. این بخش کتاب، که معادل با ۹۴ صفحه اول تصحیح یغمایی است، همراه با ترجمه فرانسوی ابیاتی که هوار تصحیح کرده بود، در همان سال مرگ او در پاریس منتشر شد. دوازده سال پس از فوت هوار، دانشمند فقید حبیب یغمایی (رحمه‌الله علیه) دنباله کار را در دست گرفت و خوشبختانه موفق شد که تمام کتاب را بر اساس دستنویسی که در کتابخانه مسجد سپهسالار موجود است، و با مقابله این دستنویس با چندین نسخه خطی دیگر تصحیح کند، و در سال ۱۳۱۷ شمسی (۱۹۳۸ میلادی) به چاپ رساند و تصحیح او را شرح شناس معروف، هانری ماسه، در سال ۱۹۵۱ به زبان فرانسوی ترجمه کرد و در پاریس منتشر ساخت.

۱. نسخه‌های خطی گرشاسپنامه که یغمایی در تصحیح خود از آن‌ها بهره گرفته است عبارت‌اند از: نسخه کتابخانه بریتانیا به شماره Or. ۲۷۸ (در مقدمه یغمایی بر گرشاسپنامه، شماره این

نسخه به اشتباه Or. ۲۷۸ ذکر شده است). ۲. بیست و دو ورق از یک نسخه بسیار قدیمی گرشاسپنامه که آن‌ها را مقوا کرده بودند و در تجلید دستنویس Or. ۲۷۸ به کار برده بودند. این اوراق را در کتابخانه بریتانیا شناسایی، و از هم جدا می‌کنند. طبیعی است که مجموعه این اوراق نسخه کاملی از کتاب نیست و متن آن‌ها نیز بسیار صدمه دیده است. با این همه، این چند ورق را باید از قدیمی‌ترین دستنویس‌های ناقص کتاب به شمار آورد.

۳. نسخه کتابخانه آستان قدس که با شاهنامه و چند مثنوی دیگر، در یک مجلد صحافی شده. این نسخه تاریخ ندارد اما ظاهراً از دوره صفویه است.

۴. نسخه کتابخانه ملی ایران به شماره ۱۱۹ که با شاهنامه و چند مثنوی دیگر یکجا تجلید شده. تاریخ کتابت آن سال ۱۲۳۷ است.

۵. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در سال ۱۲۶۴ قمری برای مرحوم محمد تقی سپهر کتابت شده و دهخدا و ملک الشعراء بهار و برخی دیگر از فضلا بر حاشیه آن مطالبی نوشته و تصحیحاتی انجام داده‌اند.

۶. نسخه‌ای از آن مرحوم رشید یاسمی که ظاهراً در قرن هفتم هجری کتابت شده بوده.

۷. نسخه‌ای متعلق به مرحوم فروزانفر که در واقع شاهنامه‌ای است که ابیات گرشاسپنامه هم در آن درج شده.

۸. نسخه‌ای متعلق به مرحوم حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه، ۱۲۸۳ ق/ ۱۳۲۳ ش) که بسیار قدیم نبوده، اما از روی دستنویسی معتبر استنساخ شده بوده است.

در تصحیح کتاب، یغمایی نسخه مدرسه سپهسالار را که از نسخ معتبر گرشاسپنامه است، نسخه اصل قرار داد و متن آن را با دستنویس کتابخانه انگلستان مقابله کرد و موارد اختلاف این دو نسخه را در حواشی متذکر شد. البته او افتادگی‌ها و اغلاط این دو نسخه را نیز با کمک دستنویس‌های دیگر اصلاح کرد. در تصحیح یغمایی تنها نسخه‌هایی که او مهم تشخیص داده است در پانویس‌های صفحات آمده‌اند مگر در مواردی که معنی بیت غامض بوده است، که درین صورت، یغمایی تمام نسخه‌ها را آورده

است. چون برخلاف فردوسی که نبوغ شاعری و داستان‌سرایی را معا دارد، اسدی طوسی بیشتر لغوی و ادیب است تا شاعر، ابیات گرشاسپنامه که گاه پیچیدگی‌ها و غوامضی دارد که در سخن فصیح و بلیغ فردوسی دیده نمی‌شود. مرحوم یغمایی که هنگام تصحیح گرشاسپنامه گاه به این معضلات برمی‌خورده است، برای حل آن‌ها با محمدعلی فروغی، احمد بهمنیار، و بدیع‌الزمان فروزانفر مشورت می‌کرده است.

در مورد شیوه تصحیح او باید گفت که یغمایی علم تصحیح را به مرور و پس از آمدن به تهران (۱۳۰۰ ش) از محضر کسانانی کسب کرد که در ادب و تاریخ و دقت در کار، جزو سرآمدان این فنون در ایران بودند. هنگام تحصیل در دارالمعلمین مرکزی، با مرحوم عباس اقبال آشتیانی که استاد تاریخ او بود محشور شد تا آن‌جا که اقبال کار پانویس کردن برخی از مقالات خود را به او می‌سپرد و بر کتاب جغرافیای جندق و بیابانک او مقدمه نوشت (آل داود، ص ۷۳). هنگامی که اقبال به سمتی سیاسی به ترکیه رفت، یغمایی که به ریاست اداره نگارش وزارت فرهنگ منتصب شده بود، با او قراردادی برای عکس برداری از نسخ خطی نفیس موجود در ترکیه منعقد کرد (آل داود، ص ۲۷). تردیدی نمی‌توان داشت که در اثر رابطه نزدیکش با اقبال که در تصحیح نسخ خطی و شناسایی آن‌ها مهارت داشت، یغمایی از اقبال درین فنون مطالبی فراگرفته بوده است. سپس تر، به روایتی وزیر معارف وقت، علی اصغر حکمت، در سال ۱۳۱۲ شمسی او را به دستیاری مرحوم محمدعلی فروغی که اقدام به تصحیح گلستان کرده بوده است می‌گمارد (آل داود، ص ۱۸، و قس فروغی، ج ۲، ص ۱۴۸). اما تاریخ این قضیه در زندگی‌نامه منظومی که خود سروده است ۱۳۱۴ قید شده، نه ۱۳۱۲ چنان‌که در ازجنامه یغمایی آمده، یا ۱۳۱۳ چنان‌که در یادگار نامه حبیب یغمایی، به همت یوسفی، باستانی پاریزی، و ایرج افشار ضبط شده است (یادگار نامه، ص ۵۵). علی‌ای حال ابیات مربوط به کار ما این است که نقل می‌شود (آل داود، ص ۶۰):

هزار و سیصد و ده بود با چار
که گشتم با فروغی یار و همکار

کارنامه سعدی پژوهی حبیب یغمایی

میلاد عظیمی

سی سال از درگذشت حبیب یغمایی (۱۲۷۷-۱۳۶۴)، شاعر، ادیب، محقق و مصحح و از همه مهم‌تر بنیانگذار و مدیر مجله ماندگار یغمایی گذرد. حبیب یغمایی حضور پایدار و اثرگذاری بر فرهنگ ایران در قرن اخیر داشته و همین نکته باز خوانی انتقادی میراثش را بایسته کرده است.^۱ در این یادداشت می‌کوشم مروری گذرا و فشرده کنم بر کارنامه سعدی پژوهی یغمایی.

تلقی یغمایی از جایگاه سعدی در فرهنگ و ادب ایران

یغمایی سعدی را در قلمرو معنا و محتوا «تالی پیامبران و برگزیدگان» می‌داند و اعتقاد دارد که در بوستان سعدی «تمام دقایق و اسرار زندگی نهفته است و هر کس متن بوستان را راهنمای خود قرار دهد از دیگر کتاب‌هایی نیاز و در اصلاح امور معاشی و معادی رستگار و سعادتمند خواهد بود.»^۲ در ساخت لفظ و صورت نیز سعدی را «پیامبر فارسی»^۳ و «بزرگ‌ترین شاعر دنیا و کامل‌ترین نابغه‌ای که روزگار در شعر و ادب پرورده» می‌داند.^۴ «معجزه»ی سعدی را «زبان» سعدی و او را از این حیث بی‌مانند در ایران و «شاید جهان» - قلمداد می‌کند.^۵ در خطابه دیگری نظر خود را تصحیح یا تکمیل کرده و می‌گوید دعوی نمی‌کند که «سعدی بزرگ‌ترین شاعر ایران است» بلکه اعتقاد دارد سعدی «بزرگ‌ترین شاعری است که زبان فارسی را در جهان ادب رواج و رونق داده و به کمال رسانده» و «هیچ شاعر و نویسنده‌ای چون سعدی زبان فارسی را نضج و قوام نداده»^۶ تا جایی که می‌توانیم گفت «ما در این عصر و اخلاف ما در اعصار بعد نه به زبان فردوسی سخن می‌کنیم و نه به زبان حافظ و نه به زبان مولانا؛ زبان ما زبان سعدی است؛ اوست استاد مسلم و معلم بزرگ»^۷. در اشعارش هم همین عقاید را به بانگ بلند تکرار کرده است.^۸

تأثیر سعدی بر شعر و نثر یغمایی

یغمایی نویسنده چیره‌دستی است و در عوالم و اسلوب خود شاعری قابل و مقتدر محسوب می‌شود. در نثرش بسیار به شعر و نثر سعدی استشهد می‌کند.

«حبیب» (یعنی آخرین حرف آن) حرف بآه است و بآه در حساب ابجد معادل با ۲ است، از کل عبارت «حبیب فروغی» (= ۱۳۱۸) باید عدد ۲ را کاست (زیرا حبیب پای از جمع بیرون نهاده است) تا سال تولد یغمایی (۱۳۱۸ - ۲ = ۱۳۱۶) به دست آید.

در هر حال، همکاری حبیب یغمایی با مرحوم فروغی در تکامل شیوه تصحیح او که اساساً همان شیوه معقولی است که در میان علمای مسلمان رایج بوده - یعنی پیروی از یک نسخه معتبر به جز در مواردی که ضبط آن نسخه غلط فاحش باشد و یا مواردی که ضبط نسخه با سیاق کلام در تناقض باشد - نقشی عمده داشت. تفاوت میان روش یغمایی و شیوه مصححین قدیم ما این است که برخلاف قدما که امکان نقل نسخه بدل را در پای صفحه نداشته‌اند بلکه گاه نسخه بدل‌های جالب توجه را با علائم مخصوصی، از قبیل **خ** یا **نخ** در حاشیه نقل می‌کرده‌اند، یغمایی هر گاه از ضبط نسخه اصل خارج شده است، ضبط آن نسخه را در پانویس آورده. گذشته از این، هر گاه که ضبط نسخه‌های دیگر نظرش را جلب کرده است، با این که ضبط نسخه اصل را به متن برده، ضبط‌های جالب توجه نسخ دیگر را هم در پانویس متذکر شده است.

تصحیح مرحوم یغمایی از گرسناسنامه، مانند هر تصحیح دیگری از هر متن قدیم ادب فارسی که به دست هر متخصصی انجام شده باشد، البته جای بهسازی دارد، زیرا در هفتاد و چند سالی که از آن می‌گذرد، علم تصحیح هم مانند دیگر علوم به پیشرفت‌هایی نایل آمده است. اما کسی که به دیده انصاف به کار یغمایی بنگرد، باید این تصحیح را یکی از نمونه‌های بسیار خوب تصحیح علمی به شمار آورد که هم روش معقولی در سراسر آن رعایت شده و هم صفحه به صفحه آن نماینده عمق دانش و ذوق سلیم مصحح عالم آن است.

کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس آنجلس شانزدهم خرداد ۱۳۹۳

فهرست منابع

آل داود، سید علی (۱۳۸۵). ارج نامه حبیب یغمایی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۵۴). گرسناسنامه. به اهتمام حبیب یغمایی. ج ۲. تهران: طهوری (چ ۱): (۱۳۱۷).

فروغی، محمد علی (۱۳۸۴). مقالات فروغی. به کوشش محسن باقرزاده. ج ۲. تهران: انتشارات توس.
یادگار نامه حبیب یغمایی (۱۳۵۶). زیر نظر غلامحسین یوسفی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ایرج افشار. تهران: انتشارات توس.

ز فردوسی و سعدی و نظامی که دارند از سخن‌سازی تمامی به ضبط نسخه‌هایی کان کهن بود نمودیم آن که از صاحب سخن بود خوشا و خرّما آن روز و شب‌ها که از حکمت سخن بُد وز ادب‌ها چه دیوان‌ها به طبع آراستم من چه نیروها که از جان کاستم من نظرها بر خط باریک کردم ازین رو دیده را تاریک کردم با توجه به این که افشار، یوسفی، و آل داود و باستانی خود از فضایی بنام ایران و از مصححین چیره‌دستانند، این که تاریخ همکاری یغمایی با فروغی، حتی در حیات خود یغمایی به چند وجه ذکر شود، مبین این است که فن تصحیح تا چه اندازه پیچیدگی و دشواری دارد و مصححینی که بسیار بر صحت کار خود اصرار می‌ورزند، یا به اصلاحات دیگران باطمینان کامل از صحت قول خود می‌تازند، تا چه حد در اشتباهند.

همکاری یغمایی با فروغی در تصحیح کلیات سعدی باید به مثابه دانش‌آموزی او در فن تصحیح دانست. شیوه کار فروغی این بود که نسخه‌ای را اصل قرار دهد و تنها اغلاط فاحش آن، یا اغلاطی را که از سیاق کلام معلوم می‌شود که در متن وارد شده‌اند، تصحیح کند (فروغی، ج ۲، صص ۱۴۹ - ۱۵۰). این همان شیوه است که یغمایی در تصحیح گرسناسنامه از آن پیروی کرده است. چون تاریخ مقدمه تصحیح گلستان سعدی اول اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ شمسی قید شده (همان، ص ۱۵۷) و مقدمه بوستان مورخ دی ماه آن سال است (همان، ص ۱۶۵)، مسلم می‌شود که یغمایی تصحیح گرسناسنامه را هم‌زمان با دوره همکاری خودش با فروغی در تصحیح گلستان و بوستان سعدی در دست داشته، و از شیوه کار فروغی در تصحیح تقلید می‌کرده است. این شیوه را که پیروی از متن نسخه اساس در حد معقول است، به روشنی در تصحیح او از گرسناسنامه می‌بینیم. بنابراین باید گفت که یغمایی در فن تصحیح بیشتر از همه از شیوه مرحوم محمدعلی فروغی متأثر بوده است. نکته بسیار جالب توجه درین مورد این است که پدر حبیب یغمایی در دو بیستی که برای ذکر تاریخ ولادت او سروده و این ابیات را در قرآنی که در منزل داشته‌اند نوشته است، لقب فرزند را، گویی به الهام از غیب، «فروغی» قرار داده است (آل داود، ص ۵۴):

قریب ظهر سوم در چهارشنبه شعبان
حبیب پای ز جمع ار برون نهد به دروغی
حبیب نام و فروغی لقب نهادم و گفتم:
به ماهروزه فرزند خود «حبیب فروغی»
توضیح این ابیات این که چون پای کلمه